

تندروها به سیدات جلیلی

در انزوائی تاریخی قرار خواهند گرفت

شورای عالی امنیت ملی در حال پوست اندازی

علی لاریجانی پس از پنج سال غیبت به شعام برمی‌گردد. او که ۱۳ سال عضو حقیقی و ۱۲ سال عضو حقوقی شورای عالی امنیت ملی بوده این بار در زمان ریاست جمهوری یک میانه‌رو، دبیر این نهاد بالادستی وائزگذار در مذاکرات و روابط ایران و غرب خواهد بود. خبرنگاران نوشت: لاریجانی که پس از تحویل ریاست مجلس و ردصلاحیت در دو انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ بیشتر در نقش مشاور رهبری ایفای نقش می‌کرد حالا از او خواسته شده است که در موقعیت سرنوشت‌ساز کنونی به ایفای نقش بپردازد.

◀ **خبری در راه است**

سفر اخیر او به مسکو و دیدار و گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه را برخی ناظران نشانه‌هایی از تغییر در سیاست ایران تلقی می‌کنند. هم‌زمان، علی اکبر ولایتی، دیگر مشاور رهبری نیز در شبکه اجتماعی ایکس از لزوم تغییر در برخی سیاست‌ها خبر داده بود. اگرچه تغییری که علی اکبر ولایتی به آن اشاره کرده بود، بیشتر در حوزه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و گام برداشتن به سوی مردم بود، اما هم‌زمانی این رویداد‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک، گمانه‌زنی‌هایی در خصوص آغاز فصل جدیدی از «ایران» شکل داد. تا آن‌که جمعه‌شب «فارس» از تغییرات ساختاری در شورای عالی امنیت ملی خبر داد و نوشت که شورایی جدید با مأموریت‌های راهبردی در حوزه سیاست‌های دفاعی کشور، که ساختار آن به زودی نهایی خواهد شد، تشکیل می‌شود. این خبرگزاری همچنین اعلام کرد که علی لاریجانی در روزهای آینده به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب خواهد شد و علی اکبر احمدیان احتمالاً مسئولیت چند پرونده ویژه و استراتژیک کشور را بر عهده خواهد گرفت؛ پرونده‌هایی که با مأموریت‌های پیشران و راهبردی در کشور، نیاز به مدیریت و هماهنگی در سطح کلان دارند. نورنیزو، سایت نزدیک به علی شمشانی، نیز بدون آن‌که از علی لاریجانی یا جزئیاتی ارائه کند، تغییر ساختاری را تأیید کرده است.

◀ **مذاکرات نزدیک به نتیجه**

اهمیت انتصاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی آن جاست که پیش از این به مدت ۲۵ سال عضو این نهاد بالادستی بوده است. علی لاریجانی از اردوگاه اصولگرایان وارد عرصه سیاست شد و در مقام وزارت ارشاد و ریاست صداوسیما برآمد. سال ۱۳۷۴، زمانی که لاریجانی ریاست صداوسیما را بر عهده داشت، به عنوان دومین نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی منصوب شد و تا سال ۸۷ در این سمت باقی ماند. با رفتن از صداوسیما، نشستن پای میز مذاکره با غرب و پیداکردن اختلاف نظر با احمدی‌نژاد مسیر سیاسی لاریجانی در زاویه با جناح راستی‌های مسلط قرار گرفت. احمدی‌نژاد نمی‌توانست روحانی را تحمل کند و لاریجانی را به‌جای او به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی انتخاب کرد. او از سال ۸۴ تا ۸۶ به مدت دو سال در این سمت قرار داشت و مسئول مذاکرات بر سر پرونده هسته‌ای بود. مذاکرات او با خاور-یرسولانا مسئول وقت مذاکرات هسته‌ای با ایران از طرف اروپا، در شرف نهایی شدن بود اما محمود احمدی‌نژاد مانع از نتیجه رسیدن این توافق شد. علی اکبر ولایتی در مناظرات انتخاباتی سال ۹۲ گفته بود که مذاکرات لاریجانی با سولانا به نتایج خوبی رسید و درباره همین تعداد سانسئرفیوژ توافق شده بود، اما هم‌زمان، یک مقام بلندپایه اجرایی در نماز جمعه تهران اعلام کرد که «ما در خصوص مسائل هسته‌ای مذاکره نمی‌کنیم.» به گفته ولایتی، همین اظهارات باعث شد سولانا در مذاکرات بعدی، تلکس این خبر را نشان دهد و مذاکرات متوقف شود.

◀ **رفتن جلیلی؟**

دبیر شورای عالی امنیت ملی با انتخاب رئیس جمهور و پس از اخذ نظر مثبت رهبری، منصوب می‌شود. صرف دبییری در شورا به لاریجانی حق رای نمی‌دهد اما بر اساس رویه قبلی، لاریجانی شاید به عنوان یکی از دو نماینده رهبری در شورا خواهد بود. اکنون علی اکبر احمدیان نماینده اول و سعید جلیلی دومین نماینده رهبری در شعام هستند. به این ترتیب، اگر بنا باشد لاریجانی در شورای عالی امنیت ملی حق رای داشته باشد، یکی از نمایندگان رهبری از شورای عالی امنیت ملی کنار خواهد رفت. به نظر می‌رسد سعید جلیلی، که در زمان احمدی‌نژاد جایگزین علی لاریجانی شده بود، حالا باید دوباره جای خود را به لاریجانی دهد. چرا که بنا بر خبرها احمدیان دبیر فعلی بناست شورای دفاع و تشکیل ه‌ده و احتمالاً او باید در سمت نماینده رهبری در شورا بماند. حالا که روح تغییر قرار است در ساختار شعام جاری شود، ظاهراً او که قریب میانه‌رو بوده، باید کنار برود. مضاف بر آن‌که در خبر فارس آمده بود که احمدیان مسئولیت پرونده‌های ویژه و استراتژیک در کشور را بر عهده خواهد گرفت. با این اوصاف، فرد عهده‌دار مسئولیت‌های حساس و ویژه در شعام، ماندنی است.

«آرمان ملی» تغییرات در سطوح مختلف را بررسی می‌کند

خدا حافظی صدیقی باتریبون نماز جمعه



◀ **استعفا ی صدیقی**

روز گذشته بود که رسانه‌ها خبر از استعفا ی حجت‌الاسلام کاظم صدیقی از امام جمعه تهران دادند. حجت‌الاسلام کاظم صدیقی در نامه خود به رهبر معظم انقلاب ضمن تشکر به‌دلیل انتصاب خود به‌عنوان امام جمعه موقت تهران و اقامه نماز جمعه در هفته سال گذشته، خواستار معاف شدن از

اقامه نماز جمعه به سبب تمایل برای تمرکز بر کارهای علمی و تدریسی و تبلیغی شده است. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای؛ رهبر انقلاب نیز ضمن تشکر از جناب آقای صدیقی برای اقامه نماز جمعه تهران در هفته سال گذشته و ایراد خطبه‌های مفید و مؤثر در دفاع از نظام اسلامی و بیان توصیه‌های معنوی و اخلاقی در خطبه‌ها، با درخواست وی موافقت کردند. از طرفی پس از اعلام استعفا ی کاظم صدیقی از امام جمعه تهران این پرسش پدید آمد که وی از ریاست ستاد امر به معروف نیز کناره‌گیری خواهد کرد. آنچه مسلم است بر اساس قانون، با استعفا ی کاظم صدیقی از امامت جمعه تهران و پذیرش این استعفا، وی جای خود را در ریاست ستاد امر به معروف و نهی از منکر به فرد دیگری خواهد داد. بر این اساس ماده ۱۹ قانون فعلی حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مصوب ۹ اردیبهشت ۹۴، ریاست ستاد امر به معروف و نهی از منکر را «یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه» برعهده دارد. بر این اساس، با عیانت به استعفا ی حجت‌الاسلام صدیقی از امامت جمعه تهران و پذیرش این استعفا توسط رهبر معظم انقلاب، آقای صدیقی جای خود را در ریاست ستاد امر به معروف و نهی از منکر، به یکی دیگر از ائمه جمعه موقت تهران از میان حجج اسلام علی اکبری، ابوترابی، احمد خانی و موحدی کرمانی، خواهد داد. حال آنچه این کناره‌گیری را به رویدادی فراتر از یک جابه‌جایی ساده بدل کرده، حواشی و عملکرد او در سال‌های اخیر و واکنش‌های گسترده به دورشدن از اوز تربیون جمعه است. به نظر می‌رسد این استعفای می‌توان در جهت کاهش حواشی ودوری از نگاه‌های سنگین جامعه به این ماجرا ر نظر گرفته. اولین برداشت از استعفا ی صدیقی این است که این موضوع می‌تواند تلاشی برای بازسازی چهره نمازجمعه تلقی

«آرمان ملی» تقابل تندروهای بهارستان با رئیس جمهور را بررسی می‌کند

حمله به پزشکيان بارمز عدم کفایت سیاسی!

مساله آب نیست که شما استبدید متخصص در حل معادلات ناویر- ستوکس و سنت ونانت را به مشاوره دعوت می‌کنید و یک نفر از این مجلسی که با شما دریست وفاق کرده را به مشاوره نمی‌طلبید.

در ادامه حمید رسایی دیگر نماینده تندرو و پایداریچی تهران در مجلس در کانال تلگرامی خود با حمله به رئیس جمهوری نوشت که آیا پزشکيان کفایت سیاسی دارد؟ این نماینده تندروی مجلس در سخنان خود گفته است بعد از جملاتی که درباره رنگرو از آقای پزشکيان شنیدیم، ادعاهای عجیب ایشان درباره روابط با آذربایجان غیرقابل باور است. در این روز به جملات آقای پزشکيان فکر می‌کنم و نمی‌توانم باور کنم که رئیس جمهور کشور چنین جملاتی را بر زبان جاری کرده‌ا! از خودم می‌پرسم مگر می‌شود کسی در این جایگاه متوجه تبعات اظهاراتش نباشد! اگر نمی‌فهمد که واقعا صلاحیت این جایگاه را ندارد. اگر می‌فهمد و می‌گوید، باز هم صلاحیت این جایگاه را ندارد. مجموعه مواضع و رفتارهای پزشکيان، بنده را به این جمع بندی رسانده که ایشان، برای پست ریاست جمهوری کفایت سیاسی ندارد.

◀ **تعامل به جای تقابل**

انتظار از مجلسی که ادعای وفاق با دولت دارد این است که در شرایط ضرور کمک حال دولت باشد نه اینکه به جای دستگیری مچ‌گیری کند و حمله به رئیس جمهور و دولت را کار هر روزه خود بداند. قدر مسلم رئیس جمهور که خود از دیر باز در مجلس بوده و نماینده چندین دوره تبریز در مجلس خود بهتر جایگاه و میزان تأثیر مجلس را می‌داند و به واقع باور به همکاری با مجلس دارد. اما متأسفانه از آنجایی که تندروها صرفاً دنبال اهداف و منوایات خود هستند حتی مجلس را نیز جایگاهی برای اظهارات و حملات خود به رئیس جمهور قرار داده‌اند. هر چند که تعداد اندک این جماعت در میان اکثریت نمایندگان محترم به حساب نمی‌آید، اما جامعه سخنان اینها را از چشم مجلس می‌بیند. لذا از مجلسی که ابتدای راه را دست دوستی و وفاق با رئیس جمهور داده انتظار می‌رود که در مسیر همگرایی با دولت قدم بردارد و از به جای تقابل از در تعامل درآید.

سیاست

گزارش

تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از ۱۷اکتبر **آیا مرزهای خاورمیانه تغییر خواهد کرد؟**

خاورمیانه به دلیل منابع عظیم انرژی، موقعیت استراتژیک، و تنوع قومی- مذهبی، همواره کانون رقابت‌های ژئوپلیتیکی بوده است. به گزارش نیویورک تایمز، پس از جنگ ایران و اسرائیل و آتش بس شکننده اعلام‌شده قرار دارد. کشورهای اروپایی (فرانسه، بریتانیا، و آلمان) در ۴ تیر ۱۴۰۴ با ستاد به گزارش از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) مبنی بر افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به ۲۹۱ کیلوگرم از جمله ۸۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی و همچنین گزارش جامع مدیرکل آژانس که در آن ادعا شده بود ایران در گذشته در برنامه هسته‌ای خود پنهانکاری کرده است، تهدید به فعال‌سازی مکانیزم ماشه کرده‌اند که می‌تواند تحریم‌های شورای امنیت، از جمله قطعنامه‌های ۱۷۴۷ و ۱۹۲۹، را بازگرداند. با توجه به استمرار جنگ غزه، جنگ ۱۲ روزه و آتش بس شکننده میان ایران و اسرائیل، و وضعیت بی‌ثبات سوریه و مشکلات مزمن یمن و لبنان چه احتمالاتی درباره آینده خاورمیانه متصور است؟

◀ **از منظر روابط بین‌الملل**

از منظر رئالیست‌ها، خاورمیانه میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، اسرائیل، ترکیه، عربستان) و فرامنطقه‌ای (آمریکا، چین، روسیه) برای کسب هژمونی است. جنگ ایران و اسرائیل نشان داد که اسرائیل به حمایت آمریکا وابسته است، در حالی که ایران با تقویت «محور مقاومت» (حزب‌ا... لبنان، انصارا... یمن، گروه‌های عراقی و دیگر متحدان غیردولتی منطقه‌ای) به دنبال بازدارندگی نامتقارن در برابر جبهه غرب است. رئالیست‌ها پیش‌بینی می‌کنند که رقابت‌های نظامی و اقتصادی منجر به بی‌ثباتی مداوم، احتمال تجزیه کشورهای ضعیف مانند سوریه و عراق، و تقویت بلوک‌های متخاصم می‌شود. در چنین شرایطی حامیان رویکرد سازه‌انگاری به روابط بین‌الملل، بر نقش هویت‌ها و روایت‌ها در شکل‌دهی به سیاست‌های منطقه‌ای تأکید دارد. روایت «ایران به مثابه تهدید» توسط اسرائیل و متحدانش تقویت شده، در حالی که ایران خود را «رهبر مقاومت» معرفی می‌کند. این دوگانگی هویتی، اجماع منطقه‌ای را دشوار کرده و به تقویت گروه‌های هویت‌محور (مانند کردها یا دروزی‌ها) منجر شده است. از این رو سازه‌انگاران پیش‌بینی می‌کنند که تغییرات هویتی می‌تواند به تجزیه دولت‌ها منجر شود و ظهور نهاد‌های جدید منجر شود. در مقابل، لیبرالیست‌ها بر همکاری بین‌المللی و نهاد‌های جهانی تأکید دارند. برای مثال اکنونومست گزارش داد تلاش‌های دیپلماتیک برای احیای برجام یا توافق جدید با ایران به دلیل عدم اعتماد متقابل متوقف شده است. لیبرالیست‌ها معتقدند که بدون همکاری بین‌المللی، خاورمیانه به سوی هرج و مرج و تجزیه پیش می‌رود، اما دیپلماسی می‌تواند از طریق نهاد‌هایی مانند سازمان ملل از این سناریو جلوگیری کند.

◀ **پویایی ژئوپلیتیکی خاورمیانه**

خاورمیانه شاهد رقابت فراینده بین ایران، اسرائیل، و عربستان سعودی است، در حالی‌که آمریکا، چین، و روسیه نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند. ایران با توسعه موشک‌های بالستیک و حمایت از گروه‌های محور مقاومت، به دنبال حفظ نفوذ خود در عراق، سوریه، و یمن است. اسرائیل نیز با حمایت آمریکا، به دنبال تضعیف ایران و گروه‌های نیابتی‌اش است، در حالی‌که عربستان سعودی به تقویت روابط با چین روی آورده است. این رقابت‌ها، به‌ویژه پس از جنگ ۱۷ روزه، خطر تجزیه کشورهای ضعیف مانند سوریه را افزایش داده است. از سوی دیگر افزایش نقش گروه‌های قومی و مذهبی مانند کردها، دروزی‌ها و شیعیان، به بی‌ثباتی دولت‌های مرکزی منجر شده است. کردهای عراق و سوریه نیز به دنبال خودمختاری با استقلال هستند، که می‌تواند به تشکیل یک کشور کردی منجر شود. کشورهای نفت‌خیز مانند عربستان و امارات به دنبال تنوع اقتصادی هستند، در حالی‌که کشورهای فقیرتر مانند یمن با بحران‌های انسانی مواجه هستند. کمبود آب و بحران‌های زیست‌محیطی می‌تواند به مهاجرت‌های گسترده و بی‌ثباتی سیاسی منجر شود، که زمینه‌ساز تجزیه یا تغییرات مرزی است.

◀ **سناریوهای محتمل**

با تکیه بر واقع‌گرایی، ضعف دولت‌های مرکزی در سوریه، عراق، و یمن، و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، احتمال تجزیه این کشورها را افزایش می‌دهد. در یک دوزمای بدبینانه، کردهای سوریه و عراق ممکن است تا سال ۲۰۳۰ یک کشور مستقل تشکیل دهند، به‌ویژه اگر حمایت ترکیه و آمریکا تضعیف شود. از دیدگاه سازه‌انگاری، تقویت هویت‌های قومی و مذهبی، مانند دروزی‌ها در سوریه یا شیعیان در عراق، می‌تواند به مناطق خودمختار یا کشورهای جدید منجر شود. کردهای عراق نیز پس از همه‌پرسی مهر ۱۳۹۶ همچنان دنبال استقلال هستند. در یک سناریوی دیگر که تداوم بی‌ثباتی و جنگ‌های نیابتی را پیش رو قرار می‌دهد، از منظر واقع‌گرایان، رقابت ایران و اسرائیل، با حمایت آمریکا و چین، به تداوم جنگ‌های نیابتی در لبنان، یمن، و عراق منجر می‌شود. از این رو ممکن است حمایت از انصارا... و حزب‌ا... را کاهش دهد، اما همچنان به توسعه موشک‌های بالستیک ادامه می‌دهد. حملات اسرائیل به تأسیسات ایران و پاسخ موشکی ایران به پایگاه العدید در قطر نشان‌دهنده تشدید تنش‌ها است. چه‌آنکه کشورهای عربی خلیج فارس، این حملات را محکوم کردند، اما به دلیل ترس از ایران، به اسرائیل نزدیک‌تر شده‌اند. این سناریو می‌تواند به تقویت ائتلاف اسرائیل- عربستان منجر شود، اما خطر جنگ گسترده را افزایش می‌دهد. در یک وضعیت فرضی دیگر با برگسته‌شدن دیپلماسی و توافق منطقه‌ای، که معتقد است همکاری بین‌المللی می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد، مذاکرات بین ایران و کشورهای عربی، با میانجی‌گری چین، می‌تواند به توافق منطقه‌ای منجر شود. عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی مانند امارات و بحرین) با اسرائیل تحت توافقات ابراهیم، و تمایل قطر و عمان به مذاکره با ایران، نشان‌دهنده پتانسیل دیپلماسی است. این سناریو می‌تواند به ثبات منطقه‌ای منجر شود، اما به اعتمادسازی و کنارگذاشتن روایت‌های متخاصم نیاز دارد.